

## نقایص محتوایی و ساختاری در کتب آموزش هنرهای سنتی دوره متوسطه

کامران سخن پرداز

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه شاهد

### چکیده

هنرهای سنتی همواره بستر ارزش‌های فرهنگی و قومی در ایران بوده است. حفظ ارزش‌های موجود در هنرهای سنتی تنها از مجرای آموزش درست و متناوب آن امکان پذیر است و این یعنی برآورده کردن وجه عملی در حفظ و اشاعه هنرهای سنتی. در این میان کتب درسی کالبد بسیار مناسبی برای تحقق هدف مذکور است. در نتیجه تعالی بخشی به محتوای کتب درسی مرتبط با آموزش هنرهای سنتی با پاس‌داشت حقیقی هنرهای سنتی همسو است. در این نوشتار سعی بر آن است تا نقایص موجود در محتوا و ساختار کتب درسی صنایع دستی و هنرهای سنتی در مقطع متوسطه، ضمن در نظر داشتن ارزش‌های نهفته در کتب مذکور، بررسی شود.

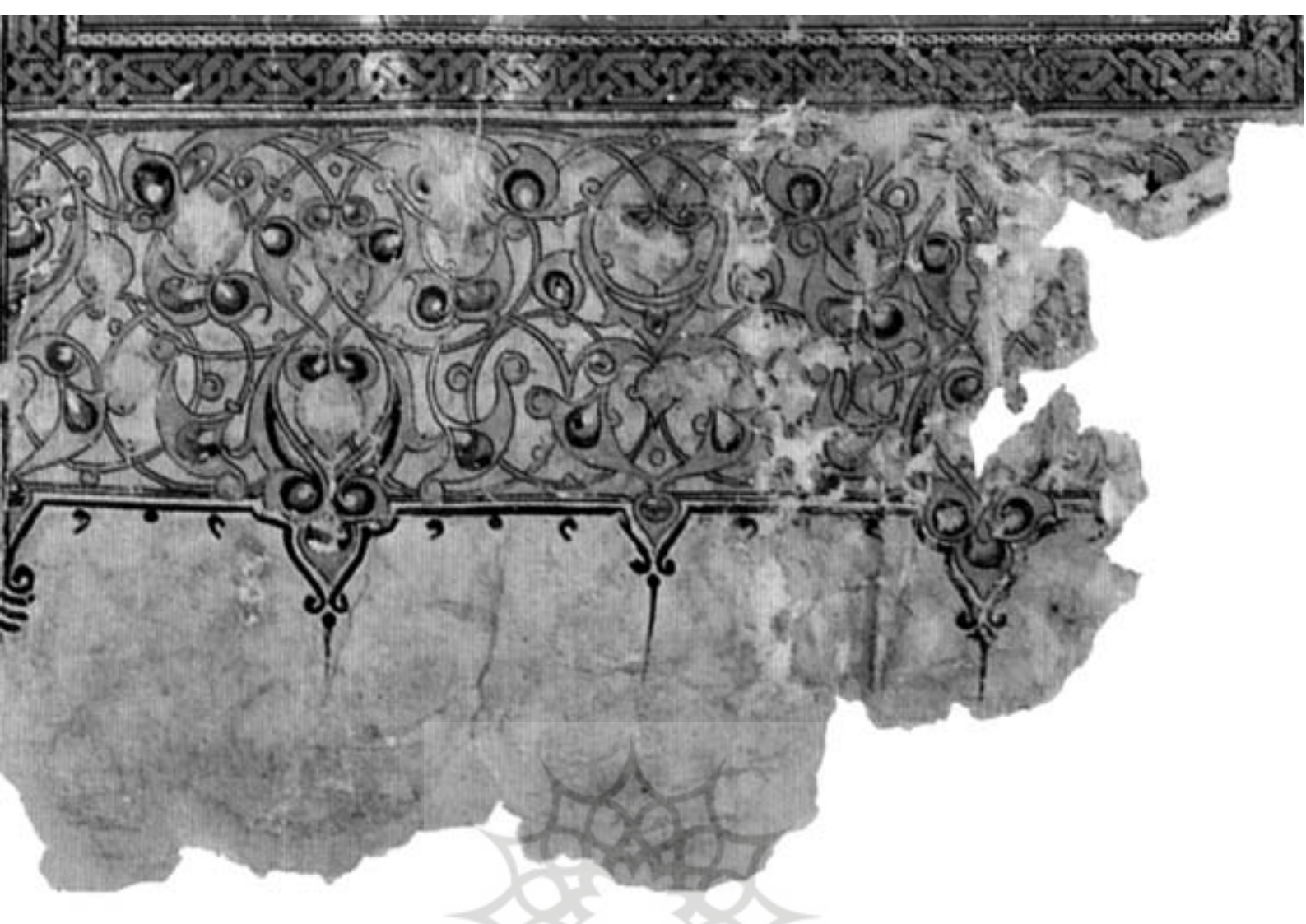
### واژگان کلیدی

هنرهای سنتی، آموزش هنر، آسیب شناسی.

### مقدمه

آموزش هنر در مقطع متوسطه - به عنوان مهم‌ترین دوره از سلسله ادوار آموزشی در نظام تعلیم و تربیت رایج در ایران - مستلزم شناختی عمیق از نیازهای آموزشی هنرآموزان در مقطع مذکور است؛ به ویژه آنکه هنرآموزان مقطع متوسطه در شرایط سنی حساسی به سر می‌برند که شکل‌گیری بخش بزرگی از شخصیت ایشان در رابطه مستقیم با آموزش‌هایی است که از محیط دریافت می‌کنند. همچنین گزینش رشته تحصیلی دانشگاهی این هنرآموزان در آینده ارتباط تنگاتنگی با مطالب آموزشی موجود در کتب درسی مقطع متوسطه دارد. بنابراین ارتقای کیفی محتوای کتب درسی مرتبط با آموزش هنر و به ویژه هنرهای سنتی در مقطع متوسطه در مرحله نخست نیازمند مطالعات آسیب‌شناختی و سپس به کارگیری نتایج حاصل از آن در بهینه‌سازی کیفیت آموزشی است و این مهم بر عهده تمامی نهادهای متولی آموزش هنر در سطوح بنیادین است. آنچه در پی می‌آید بیان اجمالی مواردی است که از دید نگارنده، نقایص محتوایی و ساختاری کتاب‌های درسی مرتبط با صنایع دستی و هنرهای سنتی در مقطع متوسطه محسوب می‌شود.

همسو نبودن آموزش هنرهای سنتی در دوره متوسطه و دوره آموزش عالی



از آنجا که مطالب مرتبط با هنرهای سنتی در کتاب‌های رشته صنایع دستی دوره متوسطه آمده است و رشته جداگانه‌ای با عنوان "هنرهای سنتی" در نظام آموزشی این مقطع تعریف نشده است، در نگاه نخست شاید عدم همسویی مطالب درسی مرتبط با هنرهای سنتی و مطالب درسی کتاب‌های این رشته در مقطع دانشگاه، امری موجه به نظر آید. اما واقعیت آن است که در ذیل عنوان آموزش هنرهای سنتی، مبانی ثابتی وجود دارد که تعریف درست هنرهای سنتی را امکان‌پذیر ساخته است. بر این اساس، آموزش هنرهای سنتی در دوره متوسطه - فارغ از این مسئله که هنرجویان این دوره از طریق تحصیل در رشته صنایع دستی با هنرهای سنتی آشنا می‌شوند - همسویی چندانی با مسیر آموزش هنرهای سنتی در مقطع آموزش عالی ندارد و گونه‌ای نا پیوستگی محتوایی میان مطالب آموزشی رشته هنرهای سنتی در دو دوره یاد شده وجود دارد. گواه این مدعا، نبود واحدهایی همچون "نمایش در ایران"، "موسیقی از نظر اسلام"، «هندسه نقوش در هنرهای سنتی ایران (۱) و (۲)» و «آشنایی با موسیقی بومی مناطق ایران» در سطحی مناسب دوره متوسطه در جدول دروس پیش‌بینی شده در این دوره است. چون بر اساس تعاریف موجود در نظام آموزشی رایج در ایران، سطح آموزش‌های علمی و هنری در دوره آموزش عالی می‌بایست بالاتر از سطح آموزش در دوره متوسطه باشد، آنچه که علم آموز یا هنر جو در دوره متوسطه آموزش می‌بیند، می‌بایست در راستا و چارچوب سیاست‌های آموزشی در دوره آموزش عالی و البته با سطح و حجم پایین‌تری نسبت به این دوره باشد و نه منقطع از آن. (مطابق تعریف پژوهشکده هنرهای ملی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، طیف وسیعی از هنرهای ایرانی در رده هنرهای سنتی جای می‌گیرد؛ از جمله موسیقی سنتی، نمایش‌های سنتی، هنرهای وابسته به معماری سنتی و...). بنابراین شاید شایسته‌تر آن باشد که در تنظیم جدول دروس مرتبط با آموزش هنرهای سنتی در دوره متوسطه، با اختصاص واحدهای متناسب با این دوره که از نظر محتوایی و در قیاس با دوره آموزش عالی کمبود آنها حس می‌شود، زمینه همسوسازی روند آموزش هنرهای سنتی در دوره متوسطه و دوره آموزش عالی فراهم آید.

#### کم‌توجهی به اهداف بلندمدت در آموزش هنرهای سنتی

هنرهای سنتی از موارث فرهنگی کشور و محمل اصالت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و هنری جامعه ایرانی است. از

جمله اهداف بلند مدت در آموزش هنرهای سنتی، احیای هنرهای از یاد رفته یا در حال فراموشی و بازیابی وجوه ارزشی نهفته در این دسته از هنرها است. بی شک یکی از جمله ابزارهای احیای این هنرها، تألیف و تدوین کتب آموزشی مناسب در سطوح گوناگون است. این در حالی است که در تدوین و تألیف کتب آموزشی مرتبط با هنرهای سنتی در مقطع متوسطه، مسئله ترویج و احیای هنرهای از یاد رفته تا اندازه زیادی از نظر دور مانده است، چرا که تکیه محتوایی این کتابها بر آموزش هنرهایی است که به دلیل اقبال فراوان به آنها در طی سالیان بسیار، از خطر زوال و فراموشی مصون مانده اند. در مواردی هم که به یک هنر در حال فراموشی پرداخته شده است، وجه آموزشی مطالب آنچنان در نظر نبوده و شالوده مطالب بیشتر بر معرفی استوار است و گاه این معرفی نیز بسیار مختصر است. به عنوان مثال در فصل ششم کتاب "آشنایی با صنایع دستی ایران(۱)" (آثار هنری فلزی) معرفی هنر مشبک کاری و کوفت گری به صورت بسیار مختصری انجام گرفته است. استواری و تأکید برخی از کتابهای مرتبط با هنرهای سنتی در دوره متوسطه بر معرفی مختصر هنرهای سنتی حتی در عنوان کتابهای مورد بحث نیز آشکار است. به عنوان مثال از عنوان و به تبع آن از محتوای کتاب "آشنایی با صنایع دستی ایران(۱)" چنین برداشت می شود که درون مایه کتاب مذکور، غایت آشنا کردن هنرجو در سطح مقدماتی را دنبال می کند و بنابراین افق انتظارات ما از کتاب یاد شده در زمینه آموزش و معرفی دامنه دار هنرهای سنتی، محدود خواهد شد. بنابراین شاید شایسته تر آن باشد که در کنار معرفی و آموزش هنرهایی چون معرق کاری چوب، سفالگری و قلمزنی، آموزش هنرهای از یاد رفته یا در حال فراموشی نیز در دستور کار دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد تا از یک سو نوعی هماهنگی با سیاستهای فرهنگی کشور در جهت حفظ هویت ملی صورت پذیرد و از سوی دیگر، در تبیین اهداف بلند مدت در آموزش هنرهای سنتی (حفظ و انتقال موارث هنری گذشته به نسل امروز) توفیق بیشتری حاصل آید.

#### عدم بازتاب مستقیم تجربه های پیش کسوتان هنرهای سنتی

فراموشی بسیاری از هنرهای سنتی در دوره کنونی -در نتیجه توجه روزافزون به آموزه های هنری دیگر فرهنگها به ایران - معضلی است که رفع آن مستلزم کوششی بایسته است. بخش مهمی از رسالت احیا و گسترش هنرهای سنتی در سطح کلان بر دوش نسلی است که آموخته هایشان به سبب آشنایی کامل با این دسته از هنرها، راهگشای حل معضل یادشده است. اگر چه در تدوین مطالب اکثر کتابهای مرتبط با هنرهای سنتی و صنایع دستی در مقطع متوسطه از تجربه های استادان هنرهای سنتی بهره گرفته شده است، اما بسنده کردن به ارائه مختصری از زندگی نامه هنرمندان پیش کسوت در عرصه هنرهای سنتی و حتی پرهیز از ارائه همین زندگی نامه مختصر، امری درخور نیست. به عنوان مثال در کتابهای «کارگاه صنایع دستی (چوب)» و «کارگاه صنایع دستی (سفالگری)» حتی نامی از استادان این دو شاخه هنری نیامده است؛ و یا در کتاب «کارگاه نگارگری» -صفحه های ۱۸۳ تا ۲۰۳- و کتاب «کارگاه صنایع دستی (فلز)» - صفحه های ۸۴ تا ۸۸ - به ارائه شرح حال کوتاهی از استادان نگارگر و قلمزن بسنده شده است؛ در حالی که بسیاری از هنرمندان رشته های یاد شده در قید حیات به سر می برند و در کارگاه های خود مشغول به کار هستند و بازتاب مستقیم تجربه های ارزشمند ایشان در قالب مصاحبه و گنجاندن آن در بطن کتابهای دوره متوسطه به آشنایی هر چه بیشتر هنرآموزان با مبانی، مفاهیم، ارزش ها و ماهیت حقیقی هنرهای سنتی می انجامد. این امر به طور ضمنی القاگر این مفهوم نیز در ذهن هنرآموزان خواهد بود که در جریان کسب تجارب هنری از طریق کتب آموزشی، رجوع به دانسته ها و تجربیات هنری استادان هنرهای سنتی را به عنوان مراجع اصلی در یادگیری درست و بی کم و کاست هنرهای سنتی از نظر دور ندارند؛ چنان که در گذشته نه چندان دور نیز شیوه استخراج مبانی آموزشی از تجربه های استادان فن و هنر، از شیوه های برتر در آموزش هنرهای سنتی محسوب می شد.

#### کم توجهی به نیازها و ضرورت های بومی در آموزش هنرهای سنتی

وجود اقلیمها و فرهنگهای مختلف در ایران باعث پدید آمدن هنرهایی شده است که همگی دارای یک ویژگی مشترک اند و آن امکان رشد و توسعه این هنرها در یک محل و چارچوب جغرافیایی خاص است. بدین معنی که موجودیت این دسته از هنرها بنا به دلایلی از جمله نیازهای محلی و منطقه ای به وجود آنها، تأمین مواد اولیه برای تولید این هنرها از محل های خاص و... در بسترهای جغرافیایی خاصی تعریف شده است. تألیف کتب جداگانه ای با محتوای معرفی و آموزش هنرهای بومی متناسب با هر منطقه، به گونه ای که به مستند نگاری وجوه پیدا و پنهان این دسته از هنرها بپردازد، پاسخ گوی نیازها و ضرورت های بومی در زمینه آموزش هنرهای سنتی خواهد بود. برای دستیابی به چنین منظوری می توان از دانش و تجربه استادان شاخه های مختلف هنرهای سنتی و هنرمندان فعال در کارگاه های موجود در مناطق و استان های مختلف، پژوهشگران و کارشناسان هنرهای سنتی و صنایع دستی، در تألیف کتابهای این چنینی بهره برد.

همچنین با بهره گیری از منابع موجود در مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، بر غنای مطالب کتاب‌های مذکور افزود.

### مغفول ماندن امکان اشاعه هنرهای سنتی در سطح کلان از طریق آموزش‌های بنیادین

امروزه پاس داشتِ وجوه ارزشی هنرهای سنتی با توجه به رواج روز افزون تولیدات صنعتی با ظاهر دست ساخته‌های سنتی - و البته با کیفیت نازل و فاقد ارزش‌های بایسته هنری - بسیار ضروری است. دستیابی به چنین منظوری مستلزم به کارگیری ابزارهای گوناگونی است. بی شک کتاب در دسترس ترین ابزار آموزشی و در عین حال کارآمد ترین آنها است که ترویج و اشاعه بخش قابل ملاحظه ای از هنرهای سنتی در سطوح کلان از طریق آن به آسانی امکان پذیر است. این در حالی است که نگارش مطالب آموزشی کتب مرتبط با هنرهای سنتی در مقطع متوسطه بیشتر مبتنی بر سیاست‌هایی است که نیازهای مقطعی هنرآموزان را دنبال می‌کند. در صورتی که نقش آموزش‌های بنیادین در ترویج هنرهای سنتی و احیای هنرهای از یاد رفته از طریق کتب درسی دارای اهمیت بسیار زیادی است. تا آنجا که سنجش میزان بازخورد حاصل از آموزش‌های بنیادین به عنوان معیاری برای ارزیابی کیفیت آموزشی در مقاطع بعدی در نظر گرفته می‌شود. از این رو شایسته است در تألیف کتب آموزشی مربوط به هنرهای سنتی در مقطع متوسطه، رویکردی نو به قابلیت‌های کتب آموزشی در اشاعه هنرهای بومی اتخاذ شود که تحقق این امر مستلزم به کارگیری روش‌های نوین در آموزش هنرهای سنتی است.

### عدم توجه به کارایی متون و منابع کهن در آموزش‌های سنتی

متون قدیمی همواره به عنوان منابعی اصیل و ارزشمند در پژوهش‌های بنیادین حائز اهمیت فراوان بوده و هستند. میراث مکتوب ما در زمینه تشریح مبانی هنرهای ملی از آنچنان غنایی برخوردار است که هیچ ابزار دیگری قابل مقایسه با آن نیست. از این رو شایسته است در تنظیم کتب آموزشی هنر نیز به این گونه متون توجه ویژه شود، به خصوص آنکه آموزش درست هنرهای سنتی به دلایل ساختاری و با توجه به تعریف هنرهای سنتی، ارتباط مستقیمی با متون و منابع پیشینیان دارد. در تدوین و تألیف کتب آموزشی مرتبط با هنرهای سنتی در مقطع متوسطه، توجه چندانی به متون دست اول مرتبط با آموزش هنرهای سنتی نشده است و در نتیجه بخش قابل توجهی از دانش موجود در زمینه هنرهای سنتی - که در طی سال‌ها تجربه و تلاش جان‌فرومای استادان هنرهای سنتی به دست آمده است - مورد غفلت قرار گرفته است. متون و منابع کهن به عنوان منابع دست اول در پژوهش‌های بنیادین در موضوعات غیر هنری نیز حائز اهمیت و کاربرد فراوان است. استفاده از متون و منابع کهن در تبیین مبانی و اصول آموزش هنرهای سنتی به این دلیل ضرورت دارد که تکامل هنرهای سنتی به واسطه بازنگری‌ها و تجربه اندوزی‌های پیوسته استادان هنرهای سنتی در شیوه‌های ساخت و پرداخت آثار هنری صورت گرفته و ماحصل این تلاش پیوسته کم و بیش در آئینه منابع کهن - اعم از منابع نوشتاری و غیر نوشتاری - بازتاب یافته است. از این رو شایسته است که با به روز سازی منابع و متون کهن از نظر زبانی و استفاده از محتوای این گونه متون در بطن کتاب‌های درسی، بر غنای مطالب آموزشی موجود در کتب مقطع متوسطه افزوده شود.

### جمع‌بندی

حفظ حقیقی هنرهای سنتی مستلزم به کارگیری ابزارهایی است که ضمن دارا بودن قابلیت بیان ارزش‌ها، ظرایف و ویژگی‌های راستین هنرهای سنتی، از کارایی لازم در برآورده کردن اهداف بلند مدت در آموزش این دسته از هنرها برخوردار باشد و کتاب حائز بخش بزرگی از ویژگی‌های مورد نظر است. بنابراین در نگارش کتب آموزشی مقطع متوسطه، در نظر گیری مواردی که منجر به افزایش بازدهی آموزشی گردد، در دراز مدت به تحقق اهداف مورد نظر در اشاعه هنرهای سنتی خواهد انجامید؛ مواردی همچون توجه به نیازها و ضرورت‌های بومی، توجه به قابلیت اشاعه هنرهای سنتی در سطح کلان از طریق آموزش‌های بنیادین، توجه به کارایی متون و منابع دست اول در آموزش هنرهای سنتی، بازتاب مستقیم تجربه‌های پیش‌کسوتان هنرهای سنتی در کتب درسی و همسو سازی آموزش هنرهای سنتی در دوره متوسطه و دوره آموزش عالی.

### منابع

- «کارگاه نگارگری»، مؤلف: ابوالفضل طاووسی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۶
- «آشنایی با صنایع دستی ایران (۱)» (اجرای آزمایشی)، تألیف: گروهی از مؤلفان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۶
- «کارگاه صنایع دستی (فلز)»، مؤلفان: زهره خلیلی راد، فاطمه سوسن آبادی فراهانی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۴
- «کارگاه صنایع دستی (چوب)»، مؤلف: قباد کیانمهر، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۶
- «کارگاه صنایع دستی (سفالگری)»، مؤلف: مریم کیان اصل، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۶.